

## تحلیل سبک و معرفی نسخ خطی مثنوی در مکنون از فقیر دهلوی

مرضیه دوستانی علی آباد، محمدهادی خالقزاده\*، جلیل نظری

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

اردیبهشت ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۴، صص ۲۶-۱

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6802

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** فقیر دهلوی، شاعری شیعی مذهب قرن دوازده هجری قمری و متولد دارالخلافه شاهجهان آباد است که مثنوی در مکنون از وی بجا مانده است. این مثنوی عاشقانه، داستان عشق ملیکه، دختر قیصر روم، را به امام حسن عسکری (ع) بیان میکند. یک نسخه کامل متعلق به کتابخانه عمومی آیت‌الله گلپایگانی با کد ۲۹/۵۸ و تاریخ تحریر ۱۱۷۱ هجری قمری از این اثر باقی مانده است که در این پژوهش ضمن معرفی نسخه، به تحلیل سبک آن پرداخته شده است.

**روش مطالعه:** این جستار با رویکردی توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** بررسی این مثنوی نشان میدهد شاعر از موسیقی ملایم، همراه با لحن عاطفی و تناسبهای هجایی بحر هزج در کنار توازن واژه‌ها برای تقویت زبان غنایی شعر خویش بهره برده است. استفاده متناسب از انواع صور خیال، که رکن اصلی آن را تشبیه شکل میدهد، در حوزه سبک ادبی، پایه هنری این مثنوی را برعهده دارد. زبان شعری او ساده و روان است و برخلاف دیگر شاعران سبک هندی، از مضمون پردازیهای غامض و نازک‌خیالیهای عجیب‌وغریب در کلام او خبری نیست.

**نتیجه‌گیری:** شاعر در روایت داستان، از عنصر عاطفه و احساس در جهت ارتقای جنبه غنایی مثنوی استفاده کرده است. با اینکه شاعر از صناعات بلاغی برای زیباسازی و تقویت موسیقی بهره برده، معنا و مفهوم را فدای لفظ نکرده و از کاربرد واژه‌های مهجور، کهن و غامض پرهیز کرده و از سبکی سلیس و روان بهره برده است. باوجود این بسامد کلمات عربی، بویژه جمع مکسر، در شعر او بسیار زیاد است. در این اثر عشق زمینی واسطه‌ای است برای رسیدن به عشق الهی.

تاریخ دریافت: ۲۲ اسفند ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۲۴ فروردین ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۰۸ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۵ خرداد ۱۴۰۱

#### کلمات کلیدی:

نسخه خطی، مثنوی در مکنون، فقیر دهلوی، سبک‌شناسی.

\* نویسنده مسئول:

✉ m.h.khaleghizadeh@iauyasooj.ac.ir

☎ ۳۳۳۱۳۲۱۲ (۷۴ ۹۸+)



## ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

## Stylistic analysis and introduction of the manuscript of Masnavi in the Door –e- Maknoon of Faqir Dehlavi

M. Dostani Aliabad, M.H. Khaleghzadeh\*, J. Nazari

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

## ARTICLE INFO

## Article History:

Received: 13 March 2022

Reviewed: 13 April 2022

Revised: 28 April 2022

Accepted: 15 June 2022

## KEYWORDS

Manuscript, Masnavi Dorr  
Maknoon, Faqir Dehlavi,  
Stylistic Analysis, Stylistics

\*Corresponding Author

✉ [m.h.khaleghzadeh@iauyasooj.ac.ir](mailto:m.h.khaleghzadeh@iauyasooj.ac.ir)

☎ (+98 74) 33313212

## ABSTRACT

**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Faqir Dehlavi is a Shiite poet of the 12th century AH and was born in the Dar al-Khalafah of Shah Jahanabad. This romantic Masnavi tells the love story of the queen, the daughter of the Roman emperor, to Imam Hassan Askari (AS). A complete copy belongs to the public library of the Ayatollah Golpayegani with the code 29/58 and the date of writing 1171 AH of this work remains. In this research, while introducing the version, its stylistic analysis has been done.

**METHODOLOGY:** This study was conducted with a descriptive-analytical approach.

**FINDINGS:** The study of this Masnavi shows that the poet has used soft music, along with the emotional tone and syllabic proportions of Bahr-e Hazaj along with the balance of words to strengthen the lyrical language of his poetry. Proportional use of various forms of imagination, the main element of which is simile, in the field of literary style, is the artistic basis of this Masnavi. His poetic language is simple and fluent, and unlike other Indian-style poets, there is no mention of the ambiguous themes and subtle fantasies in his words.

**CONCLUSION:** In narrating the story, the poet has used the element of emotion and feeling to promote the lyrical aspect of Masnavi. Although the poet has used rhetorical crafts to beautify and strengthen music, he has not sacrificed the meaning and concept of the word and has avoided the use of abandoned, ancient and obscure words and has used a smooth and smooth style. Nevertheless, the frequency of Arabic words, especially the plural of mokassar, is very high in his poetry. In this work, earthly love is a medium for achieving divine love.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6802](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6802)

| NUMBER OF REFERENCES                                                                      | NUMBER OF TABLES                                                                         | NUMBER OF FIGURES                                                                          |
|-------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------|
| <br>18 | <br>0 | <br>2 |

## مقدمه

از گذشته تا کنون ایران و شبه‌قاره هند به دلیل نژاد، باورها و خاستگاه مشترک، همواره در حیطه‌های بازرگانی و فرهنگی در حال دادوستد بوده‌اند و از این منظر، زبان فارسی در دوره‌های گوناگون بطور گسترده به این سرزمین راه یافته و چنان نفوذی داشته که حتی مردم شبه‌قاره به فارسی صحبت میکردند و به این زبان کتاب نوشته و شعر گفتند. در این میان رفت‌وآمد مردم ایران و هند در گروه‌های مختلف، ازجمله شاعران و نویسندگان، به سرزمینهای یکدیگر بسیار قابل توجه است. با روی کار آمدن دولت گورکانیان در هند، زبان و ادبیات فارسی بیش از پیش مورد توجه و اقبال مردم هند قرار گرفت؛ ماحصل این توجه و اقبال روزافزون هندوها به زبان فارسی، پدید آمدن اندیشمندان، ادیبان، شاعران و هنرمندان بسیاری بود که هرکدام آثاری را در زمینه‌های مختلف خلق کردند. در همین دوره تاریخی بود که شاعران و ادیبان زیادی در ایران مورد بی‌توجهی پادشاهان صفوی قرار گرفتند و ادامه حیات ادبی خود را در ترک ایران و مهاجرت به هند تشخیص دادند. اگرچه با انقراض حکومت گورکانیان در هند و نفوذ تدریجی انگلیس در آن، روابط فرهنگی ایران و شبه‌قاره هم تا حد زیادی رنگ باخت، آثار فراوانی به زبان فارسی در کتابخانه‌های هند باقی ماند که هنوز هم تصحیح و منتشر نشده‌اند. در سالهای اخیر با تلاشهای فراوان بخشی از میراث مکتوب ادیبان و شاعران فارسی‌گوی از کتابخانه‌های هند به ایران منتقل شده که مثنوی «در مکنون» فقیر دهلوی ازجمله آنهاست. در این پژوهش ضمن معرفی نسخ گوناگون این اثر، به بررسی سبک‌شناسانه کاملترین نسخه آن، یعنی نسخه متعلق به کتابخانه عمومی آیت الله العظمی گلپایگانی با کد ۲۹/۵۸ و تاریخ تحریر ۱۱۷۱ هجری قمری، در سه سطح زبانی، ادبی و فکری پرداخته خواهد شد.

## ضرورت و سابقه پژوهش

مستعلی پارسا و محمودی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «فقیر دهلوی، معرفی نسخ خطی دیوان اشعار و طرز او» درباره وی مینویسند: شعر فقیر ساده و روشن و عاری از واژه‌های مهجور و کهن است و حتی لغات هندی نیز در دیوان او مشاهده نمیشود. کاربرد کلمات و اصطلاحات عامیانه از ویژگیهای سبکی عام این دوره است که در شعر فقیر نیز به شکل معتدل وجود دارد. در دیوان او از ترکیبات پیچیده و انتزاعی شعرای هندی این دوره نیز خبری نیست و بیشتر از ترکیبهای ساده بهره برده است که متناسب با زبان روان و ساده شعر اوست. رضایی اردانی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «فقیر دهلوی، شخصیت برجسته علوم بلاغی فارسی در هند» مینویسد: امتیاز اصلی فقیر دهلوی علاوه بر شاعری، مهارت و دانشمندی در زمینه علوم بلاغی و عروض و قافیه است. چندین کتاب ارزشمند او در این زمینه حاکی از عشق و علاقه او به این علوم است. رضایی اردانی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «جستاری در احوال و آثار و افکار شمس‌الدین فقیر دهلوی» درباره فقیر مینویسد: یکی از شخصیت‌های برجسته اما گمنام سرزمین هند که با تألیف یا تصنیف آثار مختلف ادبی - بلاغی نقش چشمگیری در توسعه و آموزش زبان و ادب فارسی در هند داشته، شمس‌الدین فقیر دهلوی است. همچنین وی (۱۳۸۹) در مقاله دیگری با عنوان «فقیر دهلوی و بررسی و تحلیل سیمای شاعری او» چنین آورده است: فرهنگ و زبان و ادبیات دو قوم ایرانی و هندی چنان باهم درآمیخته است که گویی پیکره فرهنگی یگانه‌ای را تشکیل داده‌اند. وجود شخصیت‌های برجسته فارسی‌زبان و آثار فراوان فارسی که در شبه‌قاره هند پدید آمده و بدون آنها تاریخ ادب فارسی کامل نمیشود، حکایت از همبستگی دیرینه فرهنگی ایران و هند دارد.

حاتمی میانده (۱۳۹۰) در پایان‌نامه «تصحیح مثنوی شمس‌الضحی اثر شمس‌الدین فقیر دهلوی» مینویسد: یکی

از شاعران فارسی‌زبان هندی، میرشمس‌الدین فقیر دهلوی است که عشق و ارادت خود به اهل بیت را در آثارش نشان داده است. مخصوصاً مثنوی شمس‌الضحی که ۷۹۵۲ بیت دارد و تاریخ سرودن آن ۱۱۷۳ هجری است و شاعر با افتخار، فضایل و کرامات چهارده معصوم را برمیشمارد. صادقیان و رضایی اردانی (۱۳۸۵) در مقاله «بررسی و تحلیل انتقادی حدائق‌البلاغه شمس‌الدین فقیر دهلوی» آورده‌اند: از دیرباز دانش‌هایی چون بدیع، معانی و بیان، و عروض و قافیه بعنوان معیارهایی برای زیبایی‌شناسی عناصر ادبی و ارزشیابی شعر و نثر فارسی و عربی بکار میرفته و زمینه‌ساز نوعی نقد روشمند بوده است؛ از این رو امروزه نیز ناگزیریم این‌گونه آثار علمی را به سبب اشتغال بر ابزارهای نقد ادبی با دقت تمام بررسی کنیم. نفوذ عمیق و حضور بلامنازع زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره هند منجر به پیدایش آثار گرانسنگی در زمینه‌های گوناگون شعر، عرفان، فلسفه، دستور، فرهنگ لغت، علوم و فنون ادبی، بلاغت و جز آن گردیده که متأسفانه برخی از این آثار همچنان ناشناخته باقی مانده است.

اهمیت پژوهش حاضر در این است که دوستداران شعر و ادب فارسی، حداقل با نسخه‌های خطی مثنوی در مکتون موجود در کتابخانه آیت‌الله العظمی گلپایگانی، ملک تهران، و آستان قدس رضوی آشنا میشوند و مطلع خواهند شد که شاعری با این نام‌ونشان در قرن دوازدهم هجری قمری، مثنوی‌ای از خود به یادگار گذاشته است که تصحیح آن و در دسترس قرار گرفتنش میتواند برای بسیاری، که در این حوزه فعالیت میکنند، مفید باشد.

## بحث و بررسی

### شرح حال و آثار فقیر دهلوی

بیشتر تذکره‌نویسان، نام فقیر دهلوی را «میرشمس‌الدین» و تخلص او را «فقیر» نوشته‌اند؛ ولی حاجی لطفعلی بیگ آذر در تذکره «آتشکده»، نام او را «میرشمس‌الدین محمد» ضبط کرده است (آتشکده آذر: ۵۲۴). آزاد بلگرامی و خان آرزو علاوه بر «فقیر»، تخلص «مفتون» را هم برای فقیر دهلوی در آثارشان ذکر کرده‌اند (مجمع‌النفاّس: ۷۰۵، اته، ۱۳۵۶: ۸۹).

وی در سال ۱۱۱۵ م.ق. در دارالخلافة شاه‌جهان‌آباد (دهلی) زاده شد (ریاض‌الشعرا: ۱۶۸۶/ ۳). از طرف خاندان پدر «عباسی» و از سوی مادر «سید» بوده و به همین خاطر لفظ «میر» در اول اسم ایشان آمده است. پسوند «دهلوی» نیز مربوط به محل تولد فقیر است (همان: ۱۶۸) و واله داغستانی به همین دلیل وی را «میرشمس‌الدین فقیر عباسی دهلوی» معرفی کرده است. تذکره‌ها اسمی از پدر و مادر فقیر دهلوی نبرده‌اند. حتی دوست نزدیک وی - واله داغستانی - نیز اشاره‌ای به اجداد و پدر و مادر فقیر دهلوی نداشته است. حسین قلی‌خان، سلسله نسب مادر فقیر دهلوی را به شاه اعظم خانی مرتبط میداند (تذکره نشتر عشق: ۱۱۹۹/ ۲). مذهب اجدادش سنت و جماعت است، ولی خودش در بیست‌وپنج‌سالگی مذهب شیعه اثناعشری را اختیار نموده است (عقد ثریا: ۴۳). آنچه از تذکره‌ها برمی‌آید اینکه آبا و اجداد فقیر بر مذهب اهل تسنن و جماعت بوده‌اند، ولی فقیر دهلوی در سفری که به دکن داشته است در همنشینی و مجالست با یکی از علمای حیدرآباد، مذهب اثناعشری را برگزیده است (همان: ۴۳)، تا جایی که نشانه‌های این مذهب در آثار وی بخوبی نمود یافته است. فقیر دهلوی در بیشتر اشعار خود عشق و ارادت خود را به اهل‌بیت<sup>(۱)</sup> بعنوان یک شیعه ابراز کرده است؛ برای نمونه در مثنوی «در واقعه کربلا» که سرآغاز آن بیت:

خبر از ماه محرم در جهان تازه شد رنج و مصیبت دوستان  
(در مکتون: ۳۵).

است و مثنوی دیگری با عنوان «شمس‌الضحی» با مطلع:

ای بنامت زبان سحر طراز نطق را داده مایه اعجاز  
(همان: ۸۶).

که شیعه بودن فقیر دهلوی را اثبات میکنند. مثنوی اول درباره مصیبت امام حسین<sup>(ع)</sup> و یارانش در واقعه کربلا و دومی درباره امامت، فضایل و معجزات چهارده معصوم<sup>(ع)</sup> سروده شده‌اند. شاعر در این مثنوی معجزات دوازده امام<sup>(ع)</sup> را گرد آورده است.

تقریباً تمامی تذکره‌های معاصر یا بعد از فقیر دهلوی، به دانش، جایگاه علمی و اخلاقی او اشاره کرده‌اند. وی در زمینه زبان و ادبیات عربی، فقه، علم کلام، احادیث، تصوف، شعر، انشا، معانی و بیان و بدیع، عروض و قافیه، و زبان فارسی‌دانی در دوره خود شاخص بوده است. نوشته‌های اندیشمندان مطرح همدوره او بخصوص واله داغستانی بر این ادعا صحه میگذارد (ریاض‌الشعرا: ۸۷-۱۶۸۶). سراج‌الدین علی‌خان آرزو (۱۱۶۱-۱۰۹۹ ه.ق.) شاعر، دانشمند و منتقد شهیر همدوره فقیر دهلوی است که درباره خلق نیکو و جایگاه علمی وی چنین آورده است: «خیلی شریف‌النفس و کثیرالاخلاق واقع شده... خدایش سلامت دارد که امروز مثل وی در هند نیست» (مجمع‌النفائس: ۷۰۵). اکثر تذکره‌نویسان نیز سخنانی مانند گفته‌های واله داغستانی و علی‌خان آرزو در آثار خود نوشته‌اند. فقیر در ۲۹ سالگی در سال ۱۱۴۴ ه.ق. ملبس به جامه فقر شد و تا آخر عمر بر این طریقت بود. وی علاوه بر کسب علوم ظاهری، در معرفت الهی و عرفان نیز به درجات والایی از تجرد و معرفت رسیده بود و اشعار فراوانی در این زمینه دارد (رضایی اردانی، ۱۳۸۹: ۴). اته تاریخ وفات فقیر را ۱۱۸۰ ه.ق. عنوان کرده است (اته، ۱۳۵۶: ۸۹)؛ اما عاشقی عظیم‌آبادی در تذکره‌نشر عشق تاریخ وفاتش را ۱۱۸۳ ه.ق. ثبت کرده و ماده تاریخ وفاتش را در رباعی زیر آورده است:

رفت از عالم ما، سخنوری شیرین های خوابیده به خاک، شاعری رنگین های

آزاد نوشت مصرع تاریخش کو آه، فقیر میرشمس‌الدین های  
(تذکره‌نشر عشق: ۴۵۲)

مصرع آخر این رباعی درحقیقت ماده تاریخ وفات فقیر دهلوی است.

آثار فقیر عبارتند از: دیوان اشعار و کلیات، مثنویها (۱. مثنوی تحفه‌الشباب، ۲. مثنوی تصویر محبت، ۳. مثنوی واله و سلطان، ۴. مثنوی در مکنون، ۵. مثنوی شمس‌الضحی، ۶. مثنوی «در واقعه جانسوز کربلا»، ۷. مثنوی «در تعریف دولتخانه نواب امیرالامرا سعادت خان بهادر»، آثار بلاغی - بدیعی.

### معرفی نسخ خطی مثنوی در مکنون

از مثنوی «در مکنون» چهار نسخه بجا مانده است:

- الف) یک نسخه متعلق به کتابخانه عمومی آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی است با کد  $\frac{1}{50}$  و تاریخ ۱۲۳۴ هجری قمری که کاتب آن مشخص نیست. این نسخه به خط نستعلیق نوشته شده و بسیار خوش خط و زیبا نگارش یافته است.
- ب) نسخه دوم نیز متعلق به کتابخانه عمومی آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی با کد ۲۹/۵۸ و تاریخ تحریر ۱۱۷۱ هجری قمری است که کاتب آن خودش را «کریم» معرفی کرده است.
- ج) یک نسخه خطی دیگر از این مثنوی در کتابخانه ملک تهران به شماره ۵۶۱۱ موجود است. یک دیباچه به نشر

از کاتب در آغاز آمده در حدود ۳۰۳۳ بیت که در دوازده جمادی‌الاول به خط نستعلیق کتابت شده است و کاتب آن محمدعلی‌خان است. این نسخ در قرن دوازدهم و در هندوستان با کاغذ ترمه و در ۱۶ سطر و در اندازه ۱۴٫۵ × ۲۷ مکتوب شده است. کاتب در مقدمه‌ای که به نثر بر آن نوشته، تعداد ابیات این مثنوی را ۳۰۳۳ بیت بیان کرده است. البته وی تنها ۱۱۰۰ بیت از آن را برگزیده که این نشان می‌دهد نسخه مذکور، نسخه کاملی از این مثنوی نیست.

د) نسخه دیگری از این مثنوی در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۸۲۶۸ وجود دارد که به خط نستعلیق شکسته خوش بدون ذکر نام کاتب در قرن دوازدهم کتابت شده است؛ این نسخه کامل نیست و اول آن افتادگی دارد.

### خلاصه داستان

قیصر روم صاحب دختری به نام ملیکه - که بعدها به نام نرجس معروف گشت - بود:

یشوعا را نگاری دختری بود نه دختر یک فروزان اختری بود  
چو جان از بس گرمی داشت او را ملیکه نام کرد آن ماهرو را  
(در مکنون: ۳۵).

وی قصد داشت او را به همسری پسرعمویش درآورد و قرار ازدواج ملیکه را با عموزاده‌اش گذاشته بود. آنگاه که در روز موعود، تمام تشریفات مجلس مهیا گشت و داماد را بر تخت مینشانند، ناگاه اتفاق عجیبی افتاد:

به صد عزت بر آن تخت مطلقاً صلیبی بر سرش کردند برپا  
به ناگاه آن صلیب از پا درافتاد به روی خاک یاد از نقش «لا» داد

آن شب برائر تندباد و طوفان، مراسم موردنظر شکل نگرفت. یک‌بار دیگر مجلس آراستند، اما باری دیگر نیز به سرانجام نرسید و آن را به فال بد گرفتند. شب که ملیکه به خواب رفت، خود را در جنت یافت:

ملیکه با دل فارغ ز محنت به بستر کرد میل استراحت  
چو بربست از تماشای جهان چشم گشاد از بهر سیر باغ جان چشم

و مشاهده کرد که مجلسی در حال برپا شدن است:

چو شد آراسته مجلس ز منبر درآمد سید کونین از در  
مسیح از جا به استقبالشان جست ببوسید از ره اجلالشان دست

در آن مجلس و آن زمان که این اتفاق افتاد، حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> به شمعون دستور داد:

ملیکه را به عقد عسکری ده به سر زین فخر تاج سروری نه

دختر پادشاه روم، امام حسن عسکری<sup>(ع)</sup> را در خواب میبیند و به او دل میبندد. شبی دیگر حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> را در خواب دیده به اسلام می‌گردد. امام در خواب به وی مژده می‌دهد که میتواند در جنگی که در آینده‌ای نزدیک میان پدرش و مسلمانان رخ می‌دهد، خود را میان اسیران به سپاه مسلمانان برساند. ملیکه نیز چنین میکند و امام نقی<sup>(ع)</sup>

با نامه‌ای که به زبان رومی نوشته بود، بشر بن سلمان را برای خرید ملیکه (نرجس خاتون) به بغداد میفرستد؛ نرجس را به سامره آورده، به همسری امام حسن عسکری<sup>(ع)</sup> درمی‌آورند.

امام او را ز روی لطف بنواخت  
چو دل در پهلوی خود جای او ساخت  
در دولت به نرجیس بازگردید  
به کام جان خود دمساز گردید

### بررسی سبک‌شناسی مثنوی در مکنون

فقیر دهلوی در دوره‌ای پا به عرصه شعر و شاعری گذاشت که شعر فارسی دوران شکوه سبک خراسانی و عراقی را پشت سر گذاشته و به دوران رکود و سرخوردگی خود رسیده بود. شعر این دوره علاوه بر خروج از اعتدال و ثرم و هنجار، بشدت غمگراست و از طرف دیگر، اغراق در تمام زمینه‌ها، از ویژگیهای شاخص آن محسوب میشود. گرچه در این عصر از لحاظ کمیت با خیل شاعران روبرو هستیم، باید بپذیریم زبان و ادب فارسی از لحاظ کیفیت در سطح خوبی قرار دارد.

دوره مورد بحث اگرچه از لحاظ خلق معانی پیچیده و خیال‌پردازیهایی شاعرانه زبانزد عام و خاص است، از سادگی زبان و بیان نیز خالی نیست و شعر شاعرانی چون فقیر دهلوی از سبکی ساده و روان برخوردار است. «شعر او با وجود اینکه در سالهای پایانی سبک هندی قرار دارد، در مقایسه با شعرای همدوره و پیشینیانش ساده و روشن است و مضامین پیچیده و استعاره‌های غامض در آن بندرت مشاهده میشود» (مستعلی‌پارسا و محمودی، ۱۳۹۳: ۲۶۳). سراج‌الدین علی‌خان آرزو معتقد است مانند فقیر دهلوی در هند یافت نمیشود و درباره شعر او مینویسد: «بر جمیع صنایع شعری و بعد از استاد رشید وطواط این قسم قصیده به نظر نیامده. مثنویات متعدد موزون کرده و نهایت به صفا گفته. در غزل تتبع باباغانی دارد، بلکه اگر انصاف را کار فرمایند دانند که کمان‌ابروی ابیات به طاق بلند آویخته» (مجمع‌الفوائد: ۲/ ۱۲۶۸). پژوهشگران و محققان در این باره معتقدند سراج‌الدین علی‌خان آرزو، میرشمس‌الدین فقیر دهلوی، علیقلی‌خان واله داغستانی و عبدالحکیم لاهوری در این دوره از سبک باباغانی شیرازی پیروی میکردند. بهترین قالبهای شعری این دوره، غزل، مثنوی و رباعی است.

### سطح زبانی

در این سطح، ویژگیهای آوایی، لغوی، و ساختار نحوی مثنوی در مکنون در ترازوی نقد قرار میگیرد.

**ویژگیهای آوایی:** در این بخش، موسیقی شامل دو بخش بیرونی و کناری میشود:

**موسیقی بیرونی (وزن):** مثنوی در مکنون بر وزن مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن و در بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور سروده شده و شاعر کوشیده برای ارتقای موسیقی مثنوی، از قافیه‌های بدیع و ردیفهای متنوع بهره گیرد. در میان اوزان مطرح مثنوی، وزن مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن، بیشتر مناسب داستانهای عاشقانه است و بر همین اساس داستانهای عاشقانه ویس و رامین، فخرالدین اسعد گرگانی و خسرو و شیرین نظامی گنجوی هم در همین وزن سروده شده‌اند.

**موسیقی کناری (قافیه و ردیف):** موسیقی کناری شامل قافیه و ردیف میشود. در ادامه به ویژگیهای قوافی و ردیفهای این مثنوی پرداخته میشود.

الف) قافیه‌های متجانس: اصولاً یکی راه‌های تقویت سطح موسیقایی شعر، استفاده از قافیه‌های متجانس است. هرچقدر واجهای قافیه اشتراک بیشتری داشته باشند، میزان موسیقی و سطح لذت ناشی از آن هم بیشتر میشود؛

بنابراین اگر بخواهیم زیبایی ناشی از موسیقی را در یک بیت افزایش دهیم، مبیایست میزان اشتراک واجهای قافیه را به کمال برسانیم.

اگر آید گناهی از من پاک به بخشایش نظر کن بر کف خاک  
(در مکنون: ۴۵).

تنش از صافی جان داشت مایه نبود او را از آن ره درد سایه  
(همان: ۴۷).

سهی‌سروش نهال گلشن طور رخ او آفتاب مشرق نور  
ز دست او بزد جوش آب صافی پی سیرابی یک جمع کافی  
شبی انوار در ظلمت سرشته سوادش سرمه چشم فرشته  
(همان: ۵۰-۵۲).

به ساغر ریز آن حل‌کرده یاقوت که بخشد جان و تن را قوت و قوت  
(همان: ۱۲۰ پ)

ب) کاربرد انواع ردیف: ازجمله عوامل مهمی که بر سطح موسیقی شعر تأثیرگذار بوده و در دوره‌های مختلف شعر فارسی در کانون توجه شاعران قرار داشته، ردیف است. «ردیف را باید یکی از نعمتهای بزرگ شعر فارسی دانست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۴۷: ۱۳۸). از این منظر میتوان گفت موسیقاییترین اشعار، مردف هستند. از میان ردیفهای مختلف، ردیفهای فعلی جایگاهی ویژه در تقویت موسیقایی شعر دارند و پربسامدترین نوع ردیف در این مثنوی نیز ردیف فعلی است:

به امر حق علی را جانشین ساخت امام و قبله اهل زمین ساخت  
(در مکنون: ۵۳).

به پیشش هرکه را سر بر زمین نیست اگر بر آسمان رفت اهل دین نیست  
(همان: ۵۵).

کلامی خواند کآن را کس نفهمید زبان شعله آری خس نفهمید  
(همان: ۵۷).

دیگر انواع ردیف در این مثنوی:

ردیف اسمی:

چنین عقدی ندارد یاد عالم که شد از فیض او آباد عالم  
(همان: ۸۳ پ)

به دل از داغ بودش یک جهان گل ولی بویی نبردی کس از آن گل  
(همان: ۸۴ ر)

ردیف قیدی:

بگفت آن روز من مولایم امروز ز نفس او به او اولایم امروز  
(همان: ۵۴ ر)

ردیف حرفی:



عنان بر تافتی اشک روان را      گرفتی پیش ره، سیل دمان را  
(همان: ۸۴ پ)

ردیف ترکیبی:

گواه بخت بیدار است این خواب      فروغ صبح دیدار است این خواب  
(همان: ۸۵ ر)

حذاقت را مثل گردیده هر یک      نظر را با عمل سنجیده هر یک  
(همان: ۸۸ پ)

ج) قافیه‌های معیوب: با اینکه شاعر کوشیده برای تقویت موسیقی شعر از قافیه‌های هنری بهره گیرد، اشعارش خالی از عیوب قافیه نیست. به چند نمونه اشاره میشود:  
ایطای جلی:

شوی هر جا که گرم دلربایی      چو مغناطیس عالم را ربایی  
(همان: ۸۳).

از آن آتش که او را بود در جان      شده چون موی آتش‌دیده بیجان  
(همان: ۸۶).

ز عکس لاله آبش آتشین‌رنگ      ندیده هیچکس آبی به این رنگ  
(همان: ۹۳).

اقواء:

یکی گفتا تب او بوده محروق      در آخر منتقل گردید با دق  
(همان: ۸۹).

میان ما و تو از روی حالت      زمین تا آسمان باشد تفاوت  
(همان: ۹۵).

حذف قافیه:

چو جان از بس گرمی داشت او را      ملیکه نام کرد آن ماه او را  
(همان: ۶۴).

بود کاظم چو احمد حجت حق      ازو پیدا چو حیدر حجت حق  
(همان: ۴۲).

دیگر ویژگی‌های آوایی سخن این شاعر در مثنوی در مکنون عبارت است از:

**تکرار یا تکریر:** یکی از راه‌های مؤثر برای القای مطالب به دیگران، تکرار است. البته این موضوع در شعر علاوه بر کاربرد القایی، میتواند موسیقی شعر را هم تقویت کند. صاحب‌نظران معتقدند بخش قابل توجهی از ساخت موسیقایی شعر، مبتنی بر تکرارهای کلامی و توازن‌هاست.

بود حرب علی حرب پیمبر      نداری گر ز من این حرف باور  
(در مکنون: ۵۴-۵۶).

ز خوبی در دو عالم یافته کام      حسن سیرت      حسن صورت      حسن نام  
(همان: ۵۴)

### اسکان متحرک به ضرورت وزن:

دورنگی را ز لوح خویش بتراش بشو یکرنگ و آنگه یار من باش  
(همان: ۱۰۳ر).

گروهی خالق دورانش دانند گروهی بنده فرمانش خوانند  
(همان: ۵۵ر).

**کاهش واج:** در این اثر تعداد موارد کاهش واج بسیار بیشتر از افزایش واج است: سرفرازی (۵۷ر)؛ گمره (۶۱ر)؛ نکویی (۶۳ر)؛ ناگه (۶۸ر)؛ کهسار (۷۰ر)؛ شاهنش (۷۰ر)؛ تبهکار (۷۴پ)؛ دلفکار (۷۵ر)؛ سرافیل (۷۹پ)، هندستان (۱۳۰ر)، رهنما، پیمبر (۱۳۱ر).

**ویژگیهای لغوی:** زبان شعر فقیر دهلوی، ساده و روان است. اگرچه او از اصطلاحات گوناگون نجوم، عرفان، موسیقی و مانند آنها در شعرش بهره جسته، این امر، فهم شعر او را دشوار و پیچیده نساخته است. در ادامه به مهمترین ویژگیهای لایه لغوی شعر او اشاره میشود:

**کاربرد اصطلاحات نجومی:** فقیر دهلوی مانند دیگر شاعران عرصه شعر فارسی به مقتضای کلام خویش و با توجه به تسلطی که بر علم نجوم و اخترشناسی داشته، از واژه‌ها و اصطلاحات نجومی بهره برده است؛ مانند احتراق، وبال، قران، اوج، حضيض، و تربیع:

شرف را بازدارند از وبالش بجویند از قران و اتصالش  
هم از اوج و حضيض و احتراقش هم از تربیع و تثلیث و محاقش  
نظر بر هابط و ساعت گمارند چو بیداران به شب اختر شمارند  
(همان: ۶۷)

**کاربرد اصطلاحات عرفانی:** این مثنوی گرچه راوی داستانی عاشقانه است، عرفان بر این عشق چیره گشته و حال‌وهوای آن را تسخیر کرده است، بنابراین اصطلاحات عرفانی کمابیش در آن دیده میشوند: حیرت (۳۳)، جمع (۸۴)، جبر و اختیار (۶)، تفرید (۴۶پ)، فنا و بقا (۴۶ر)، وحدت و کثرت (۵۰پ)، عارف (۴۷پ)، تنزیه (۴۸پ)، معارف (۵۴پ).

**کاربرد اصطلاحات موسیقی:** فقیر نیز مانند اغلب شاعران از آلات موسیقی برای مضمونسازی بهره برده است. از آن زخمه که او بر چنگ میزد ره دلها به صد آهنگ میزد  
رباب ارچه سخن در پرده میگفت دُر اسرار نی بی‌پرده میسفت  
(همان: ۷۹)

همچنین: مضراب (۸۸ر)، مغنی (۸۸پ)، تار (۸۸ر)، طنبور (۶۹ر)، ارغنون، طرب (۷۹پ)، دف (۷۹ر).  
**کاربرد اصطلاحات مسیحیت:** با توجه به اینکه یک طرف داستان، یعنی قیصر روم، پیرو دین مسیحی بوده، شاعر از اصطلاحات این دین استفاده کرده است:

به قسيسان اشارت کرد کاکنون ز سر گیرید این جشن همایون  
به قصر اندر گروهی محفل‌آرا ز قسيسان و رهبانان ترسا  
(همان: ۷۱پ).

همچنین: نصارا (۸۰پ)، صلیب (۸۰ر)، حواریون (۸۱ر)، مسیح، عیسی، شمعون (۸۲ر).  
**کاربرد واژه‌های عربی:** مثنوی در مکنون مضمونی عرفانی دارد و بسامد واژه‌های عربی در آن تقریباً بالاست:

عاشر (۱۳)، بصر (۳)، جهل (۴)، بصیر و سمیع (۴)، عاجز (۵)، مقصود (۸)، حرب، خصم (۲۵)، مطلع، انوار (۴۹) ر، ثواقب (۵۱پ)، خرق، التیام (۵۲ ر)، الواث (۵۳ پ)، افتراض (۵۶ پ)، مقاتل (۵۶ ر)، خذلان، خاذل (۵۴ر)، عدوان (۱۳۲ ر)، مناظر (۱۳۰ ر)، مخاصم (۱۲۳ ر)، غارب (۱۳۲ ر)، محارب (۱۳۵ پ).  
تعالی‌الله! خدای حیّ و قیوم به جنب هستیش، کونین معدوم  
(همان: ۴۷ ر).

**ویژگیهای نحوی:** در اینجا برخی از مهمترین و پربسامدترین ویژگیهای دستوری زبان در کلام این شاعر بررسی میشود. نشانه‌های دستور کهن زبان فارسی در سخن او کم نیست.

**کاربرد انواع جمع:** فقیر دهلوی از انواع نشانه‌های جمع فارسی و عربی در سخن خود استفاده کرده است:

جمع با «ات»: تأییدات (۱۳۵ ر)، حادثات (۴۷ پ)، موجودات (۷۰ ر)، خیالات (۷۵ پ)، علامات (۱۲۹ ر).

جمع با «ان»:

اسم یا صفت جانشین اسم: رصدانان (۶۷)، گرفتاران (۶۸)، وزیران و دبیران (۷۹ ر)، بتان (۴۶ پ)، مستان (۷۹ پ)، صورتپرستان (۸۱ پ).

اعضای بدن: انگشتان (۶۷ ر)، مژگان (۱۲۹ پ).

جمع بستن با «ها»:

اسم: الف غیر جاندار: دلها (۱۲۱ پ)، قصه‌ها (۱۳۷ پ)، جانها (۱۳۸ ر)، نظرها (۸۷ پ)، گلها (۹۱ پ)؛ ب جاندار: پروانه‌ها (۷۸ ر)، گوساله‌ها (۹۹ پ).

اسم مصدر: کوششها (۵۶ ر)، حیلته‌ها (۶۷ ر)، تدبیرها (۸۱ پ).

حاصل مصدر: تیره‌روزیها (۹۷ پ)، سردمهریها (۹۲ ر)، رازگوییها (۴۷ ر).

جمع جمع: عجایبها (۶۹ پ).

جمع مکسر: ریاحین (۷۱ پ)، الطاف، اصناف (۷۲ پ)، قدوم (۷۳ ر)، اقارب (۷۷ ر)، اعیان (۷۹ ر)، کواکب، ابرار (۸۱ ر)، غلمان (۶۴ پ)، انجم (۱۲۱ پ)، اسارا (۱۳۵ ر).

**کاربرد «اندر» بجای «در»:**

نمود اندر رخس مهر درخشان به رنگ ذره در خورشید تابان

(همان: ۵۲ پ).

نوشت اندر جوابش آن ستمکار که گر از بند و زندانی در آزار

(همان: ۶۹ ر).

**آوردن «ب» در اول فعل ماضی:**

بگفت ای خضر راه نکته‌دانی کلامت رشک آب زندگانی

(همان: ۷۵ پ).

بکرد از بهر کسب نکته‌دانی زمین‌بوسش چو تیر آسمانی

(همان: ۱۳ پ).

در آنجا محشری از مردمان دید ز زندانبان برفت و حال پرسید

(همان: ۶۹ پ).

**کاربرد افعال پیشوندی:** بسامد این نوع فعل در منظومه در مکنون بسیار کم است.

به صد حسرت به کنج خانه جا کرد در غم را به روی خویش وا کرد  
(همان: ۱۰۲ پ).

همچنین: دردادن (۶۰ ر)، دریافتن (۶۲ پ)، برگشادن (۶۳ ر)، برآوردن (۶۶ پ)، برگزیدن (۶۷ ر)، درآمدن (۶۷ ر)، برخوردن (۶۸ ر)، برجهانیدن (۶۹ پ)، برگشودن (۱۳۰ پ).

**آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم:** آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم، از مختصات سبک خراسانی است و در شعر شاعران سبکهای بعد نیز دیده میشود:

به خواب اندر اگر یابد گدا گنج به بیداریش نیفزاید بجز رنج  
سبک‌تک بادپای آسمان‌سیر به بحر اندر نهنک و در هوا طیر  
(همان: ۱۰۲ پ).

**کاربرد «مر» پیش از مفعول:** کاربرد «مر» از جمله ویژگیهای سبکی در ادبیات کهن فارسی است. بهار در مورد این حرف مینویسد: «آوردن حرف «مر» از علائم مفعول‌له است و این حرف در پهلوی به نظر حقیر نرسیده و ظاهراً از اصطلاحات خراسان و لهجه دری باشد، و در نویسندگان خراسان نیز استعمال آن گاهی شدت دارد و گاهی ضعف، من جمله در بلعمی به اندازه، و در زاد/المسافرین ناصر خسرو به افراط، و در تاریخ سیستان کمتر دیده میشود. بلعمی این حرف را در مواردی می‌آورد که مفعول در محل پستی و دنائت نباشد، و باید هر جا که این حرف می‌آید متعلق آن محل مفعول بلاواسطه داشته باشد» (بهار، ۱۳۸۶: ۱/۴۱۹). فقیر دهلوی به تقلید از گذشتگان و برای حفظ زبان قدما از «مر» در اشعار خویش بهره برده است.

از آن شب کان گزین نسل آدم که باشد مر تو را باب مکرم  
(در مکنون: ص ۹۶ پ).  
چو من گویم وداع این جهان را اطاعت کن مر این زیبا جوان را  
(همان: ۱۲۷ پ).

#### کاربرد انواع «ی»

«ی» تردید: سخنوران زمانی از «ی» تردید استفاده میکردند که ادات تردید از قبیل «گویی»، «پنداری»، «کاشکی» در کلام موجود باشد:

چو خور آهنگ مغرب را نمودی فلک گویی ز دل داغش ربودی  
(همان: ۱۰۲ ر).  
نفس در نی ز لب زان‌سان دمیدی که پنداری به قالب جان دمیدی  
(همان: ۶۹ پ).

«ی» شرط: شاعران و نویسندگان در نظم و نثر گذشته به فعلهای شرط و جواب شرط «ی» می‌فزودند و فقیر دهلوی نیز در مثنوی در مکنون از این نوع «ی» استفاده کرده است:

عددشان گر محاسب نیک دیدی به سیصد در شماره میرسیدی (همان: ۷۹ ر)

«ی» مفعولی:

بدین‌سان با خیال یار جانی سخن میگفتی از راز نهانی (۸۵ر)

«ی» مصدری:

نه از ایمان کس، یابد فزونی نه از کفر کسی، گیرد زبونی (۴۸پ)

«ی» نکره:

گر از من جرمی آید، عذر بپذیر وگر پایم بلغزد، دست من گیر (۴۹پ)

«ی» وحدت:

در آن موضع نه آبی، نه گیاهی و از آنجا میشدی هر یک به راهی (۵۴پ)

«ی» تحسین و شگفتی:

محمدسیرتی، موسی خصالی سلیمان شوکتی، یوسف جمالی (۶۴ر)

«ی» نسبت:

هوای نفس تا دارد به تو کار نباشی یار جانی را هوادار (۱۰۱پ)

کاربرد الف اطلاق: الف اطلاق یعنی الف زائدی که در آخر اسم یا فعل یا حرف می‌آورند.

ظهور حق چو روز است آشکارا تو گر خفاش‌وش باشی چه چارا  
(همان: ۱۹).

یگفتا چون رسی در کوفه این بار بگو از من به آن مرد گنهکار (۶۳ر)

کاربرد انواع فعل دعایی

باد:

کلینی آنکه - روحش باد پر نور- روایت را بدینسان کرده مذکور  
(همان: ۵۵).

مباد:

دلالت کن به سوی راه دینش مباد از خوی بد بئس‌القرینش (۱۳۱پ)

بادا:

امامش گفت: کای پاکیزه‌طینت! به فرزندی تو را بادا بشارت (۱۱۶ر)

**استعمال فعل نیشابوری:** «یکی از گونه‌های ماضی نقلی، آوردن اسم مفعول با حذف «ه» + «است» به حذف همزه است: شدستم، شدستی، شدست و این «است» همان «استات» پهلویست؛ چون اینگونه ماضی نقلی در زبان مردم نیشابور معمول بود، بهار آنها را افعال نیشابوری خوانده است» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۳۳۳).  
پی این خواستگاری آمدستیم به این امیدواری آمدستم  
(در مکنون: ۷۵).

#### کاربرد انواع «را»

«را»ی فک‌اضافه

چو سیلی تندرو فوجی فرستاد که قیصر را براندازند بنیاد  
(همان: ۱۰۵).  
ملیکه را چو آمد مالک آن پیر بگفت: ای از لب و رخ شکر و شیر  
(همان: ۱۰۹).

«را» در معنای «به»:

تو را خواهم به کاری کرد مأمور که جان را سور بخشد، دیده را نور  
(همان: ۱۱۰).  
پیمبر گفت: یار مهربان را که ای راحت ز پیغام تو جان را  
(همان: ۵۹).

«را» در معنی «برای»:

تأمل گر کنی این جمله امثال ملیکه را بود مصداق احوال  
(همان: ۱۰۸).  
سپهر فضل را خورشید ثانی وزو بر خاکیان پرتوفشانی  
(همان: ۵۷).

#### آوردن «او» برای غیرجاندار:

چنین منبر که گفتم شرح او را به جای تخت قیصر دید برپا  
(همان: ۷۴).

#### جهش ضمیر

بگفت: ای غرق بحر بی‌کناره نباشد جز شکیبایی چاره (۶۹)  
ز بوی گل شدش خاطر پریشان که یاد آمد شمیم بوی جانان (۹۱)

**ترکیب وصفی مقلوب:** محقر منزل (۷۰)، تیره شب (۹۲)، زیبا شمایل (۹۳)، دلکش روایت (۱۱۴)، خورشیددیدار (۱۱۸).

#### سطح ادبی

بررسی مثنوی در مکنون فقیر نشان می‌دهد آرایه‌های ادبی بخوبی در آن بکار گرفته شده‌اند. شاعر توانسته است ضمن بازی با کلمات و به رقص درآوردن آنها، معنی و مفهوم را پابپای لفظ پیش ببرد. این هنر شاعری او باعث

شده صناعات بلاغی در شعر او تصنعی و ساختگی بنظر نیاید. پربسامدترین آرایه شعر او، تشبیه و انواع آن است.

#### صنایع بیانی

تشبیه: تشبیه از جمله آرایه‌های پرکاربرد در مثنوی در مکتون است و از آنجاکه توصیف نقشی اساسی در بیان داستان دارد، شاعر سعی کرده به تناسب کلام از این آرایه ادبی بهره گیرد:

#### تشبیه مفروق

تو چون خورشیدی و نیلوفر من  
ز گریه بی توام شد آب مسکن  
(همان: ۹۸ر).

اجل فصاد و نشتر بود پیکان  
نمیزد نیش را جز بر رگ جان  
(همان: ۱۰۷پ).

ز کین حاسدان او را چه نقصان  
که حاسد شب‌پر است، او مهر تابان  
(همان: ۵۶ر).

#### تشبیه مرکب

گهی ایمان ز کفر آرد پدیدار  
بسان روز روشن از شب تار  
(همان: ۴۸پ).

بود تدبیرها در دست تقدیر  
چو روباهی زبون در پنجه شیر  
(۸۱پ)

پیامی کز بر دلدار آید  
نسیمی دان که از گلزار آید  
(۱۱۲ر)

#### تشبیه تفضیل

ز رخسارش قمر را داغ بر دل  
ز رفتارش صنوبر پای در گل (۷۷پ)

کواکب زلّه از خوان جودش  
خرد رشحی ز عمان وجودش (۷۰پ)

#### تشبیه حرفی

دگرگون ساخت عشقم حال بی تو  
قد همچون الف شد دال بی تو  
(همان: ۱۰۰ر).

علم همچو الف در نیزه‌داری  
نگین‌سان نام جُسته در سواری  
(همان: ۱۰۵ر).

#### تشبیه بلیغ

شنید این شکوه‌ها را ز آن دل‌افکار  
ز لعل لب به پاسخ شد گهربار  
(همان: ۱۰۰ر).

نهنگ تیر کز بحر کمان جست  
به صدمه کشتی تن خورد و بشکست  
(همان: ۱۰۷پ).

و گر گویی که نی عینست و نی غیر به تیه وهم، شیطان دهد سیر  
(همان: ۴۷ر).  
همچنین: زنجیر ستم (۶۹پ)، زهر کین (۷۱ر)، چوگان فصاحت (۷۵پ)، درخت شرع (۵۸پ)، نخل آه (۴۶پ)،  
طایر اندیشه (۵۲ر)، شام یأس، صبح امید (۱۳۳ر)، غبار شبیهت (۱۳۴پ)، تیغ کینه (۱۳۵ر)، نهال دین (۱۳۹پ)،  
سپاه عشق (۸۵پ).

**کنایه:** یکی دیگر از آرایه‌های مطرح در مثنوی در مکنون فقیر دهلوی، کنایه است. کنایه‌های شعر او اغلب از نوع  
ایما است.

کسی کز خانه او می‌رود یار چه سازد گر نیارد رو به دیوار  
گهی از درد، سر بر سنگ می‌کوفت گهی با بخت، طبل جنگ می‌کوفت  
به بالین سر نهادی از پی خواب ز روی یار تا چشمی دهد آب  
(همان: ۱۰۲ر).

رو به دیوار آوردن: کنایه از گوشه‌گیری؛ سر بر سنگ کوفتن: کنایه از بی‌تابی کردن؛ طبل جنگ کوفتن: کنایه از  
آماده شدن برای جنگ؛ به بالین سر نهادن نیز کنایه از خوابیدن است.

امانتدار اسرار الهی امین خوانندش از مه تا به ماهی (۱۰)

از «مه تا ماهی» کنایه از کل جهان هستی است.

ببستم در پرستاری کمر را ز دل بردم خیال خواب و خور را (۳۸)

«کمر بستن» کنایه از آماده شدن است.

وفای عهد ما دید آن گرفتار در آن ساعت که میبست از جهان بار (۳۹)

«بار از جهان بستن» کنایه از مردن و رحلت کردن است.

همچنین: ماه را به گِل اندودن (۵۷پ)، سودا پختن (۷۸پ).

#### مجاز

بگفت ای قطره آب بی‌سروپا بیا کز راه لطف خوانده دریا  
(همان: ۱۱۰پ).

قطره آب مجاز ماکان از انسان است.

کند با خاکیان از جود یاری چو با خاک نژند ابر بهاری (۱۳۸ر)

خاکیان مجاز ماکان از آدمیان است.

جهان را از امامی ناگزیر است که این فرمان‌ده، آن فرمان‌پذیر است  
(همان: ۵۳پ).

جهان مجاز محلیه از مردم جهان است.



ز لفظم میتراود آب حیوان مداد خامه من شیرۀ جان  
(۱۳۸پ)

«لفظ» مجاز جزئیۀ از «شعر و کلام» است.

استعاره: یکی از خصایص ادبی این مثنوی، کم‌بسامد بودن استعاره، بویژه استعارۀ مکنیه است.  
استعارۀ مصرحه:

تو را آینه باشد گر مصفاً به پیش چشم تست آن یار زیبا  
(همان: ۱۰۱پ).

آینه استعاره از دل است.

به رقص اندر بتان ماه‌رخسار شده چون شعلۀ جوّاله در کار (۷۹پ)

استعاره از دختران حاضر در مجلس ازدواج دختر قیصر.

خیال یار را در دل نشاندی ز دیده در نثارش دُر فشاندی (۸۴ر)

«دُر» استعارۀ مصرحه از اشک است.

استعارۀ مکنیه:

دگر ره جبرئیل آورد پیغام که ای روشن به رویت چشم اسلام (۵۹پ)

دف از شادی نمیگنجید در پوست که باشد عشرت‌افزا سیلی از دوست (۷۹ر)

صنایع بدیعی: انواع و اقسام صنایع بدیعی در این مثنوی بکار رفته است.

جناس

جناس تام

گرفت او را ز روی لطف در بر نهال بخت نرجس داد این بر  
(همان: ۱۱۷ر).

به چوگان فصاحت این سخنگوی ز میدان سعادت‌ها ببر گوی  
(همان: ۶۱).

سیه‌چشمش ندارد هیچ آهو چنین چشمی ندارد هیچ آهو (۷۷پ)

جناس ناقص اختلافی

اگر دلخسته شد از بُعد و فصلت نمایم ره به سوی قرب و وصلت  
رود خود نیز از دنبال آن فوج بدان‌گونه که موجی از پس موج  
(همان: ۱۰۴ر).

همچنین: گام و کام (۵۲پ)، سهل و جهل (۴۷ر)، باقی و ساقی، پرسی و کرسی، هوش و گوش (همانجا)، فصول و فضول (۸۷ر)، مغز و نغز (۱۳۸ر)، باری و جاری (۱۳۲پ)، فرق و شرق (۱۳۶ر)، نماز و نیاز (۱۳۳پ)، صبر و ابر

(همانجا).

جناس ناقص حرکتی

چو شرحی از شب معراج میگفت      دُر اسرار دُر آخر چنین سفت  
(همان: ۵۲ر).

جناس ناقص افزایشی

فزودی جان او را تاب و تب روز      به سر میبرد بر امید شب، روز  
(همان: ۹۹پ).  
ز قندیل مرصع، قصر قیصر نمودی آسمانی      پر ز اختر  
(همان: ۷۸ر).

جناس اشتقاق:

گر از صنعت به صانع کس برد راه      مرا صانع ز صنعت کرد آگاه  
(همان: ۴۷پ)  
قیامت      خانه‌زاد      قامت      او      چو خورشید قیامت طلعت او  
(۷۷پ)  
بگفتا ای بشیر مصر ایمان      بشارت از تو می‌خواهم به صد جان  
(۱۱۶ر)

جناس قلب بعض

کمالش را کلام او گوا هست      ز پرتو جانب خورشید راهست  
(۱۳۹پ)

**ایهام:** این آرایه در شعر فقیر، برخلاف همعصرانش، چشمگیر نیست:

به آهنگی مغنی پرده آراست      که مر عشاق را شد کار از آن راست  
مقامش گه عراق و گه نشابور      به یک دم طی نمودی این ره دور  
(همان: ۶۹).

پرده: (اصطلاح موسیقی/ پرده و حجاب)، مقام: (اقامت/ اصطلاح موسیقی)، عراق (کشور عراق/ مقام موسیقی)، نیشابور (شهر/ مقام موسیقی).

ایهام تناسب

ضیابخش مه و انجم حسین است      چو نور دیده در مردم حسین است  
(همان: ۲۸).  
به صورت چون زر احمر نمودید      چو دیدم قلب روی‌اندود بودید (۱۳۰ر)

قلب در معنای «دل» و «سکه قلبی» ایهام تناسب دارد.

«مردم» در مصرع دوم ایهام تناسب دارد: یکی در معنای انسان، دیگری در معنای مردمک با چشم تناسب دارد. ایهام ترادف

نظر بر صورت آینه نگشود که آن چشم سیه، عین حیا بود (۷۷ر)

دیگر صنایع بدیعی در این مثنوی عبارت است از:

#### اسلوب معادله

زبانی را معاشر کی سزد حور چه داند قدر گوهر، دیده کور  
به ماتم سور آمیزد، محال است به ظلمت نور آویزد، خیال است  
(همان: ۷۸پ).  
نگردد همدم جمشید قلاش نباشد محرم خورشید خفاش (۷۸پ)

#### حسن تعلیل

برای طوف او خورشید تابان برآرد از سحر سر از خراسان  
(همان: ۴۳).

#### ارسال المثل یا تمثیل

نشد ز آب حیات وصل سیراب چو آن تشنه که بیند آب در خواب  
به خوابی کی شود دلداده خرسند دهن شیرین نسازد قالب قند  
(همان: ۱۰۲پ).  
یکش خجلت ازین ای مرد مفلس! که پیش کیمیا تحفه بری مس  
چو آن زالی که خالی از تکلف کلاوه قیمت آرد بهر یوسف  
چه قیمت خار و خس را در گلستان چه ارزد ذره پیش مهر تابان  
ندارد اعتبار قطره آبی به جنب بحر بی پایان، سرابی  
(۱۳۷ر)

تضمین: تضمین از آرایه‌های پرکاربرد بویژه در آغاز این مثنوی است.

ولی لاقطنتوا من رحمت الله نماید جانب آمرزشم راه (۷)

اشاره به: لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ (زمر/۵۳)

سر زبنده‌اش تشریف لولاک مطرز به طراز ماعرفناک (۸)

اشاره به: لَوْلَاكَ مَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ

اگر خواهی برین گفتار برهان و ما من دابته بر خوان ز قرآن (۹)

اشاره به: وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (هود/۶).

دو خیر اندر میانه میگذارم که باشد بهر امت یادگارم

یکی قرآن و دیگر عترت من نکو داریدشان ای امت من (۱۸)

اشاره به حدیث ثقلین.

#### مراعات النظیر

چو ابری که آب از دریا ستاند      ببارد بر زمین و گل دماند  
گل و نرگس در آن گلشن به هم یار      چو چشم عاشقان در روی دلدار  
(همان: ۵۲پ).  
به خون آلوده شمشیر درخشان      شده الماس او لعل بدخشان (۱۰۷ر)

#### فنون علم معانی

##### اطناب

ایضاح بعد از ابهام

به هم کردند تقسیم غنایم      ز نقد و جنس و انسان و بهایم  
(همان: ۱۰۹پ).

##### ایغال

شدم در خدمت صادق شتابان      چو ذره جانب خورشید تابان  
کنون آن گاو مُرد و ما هلاکیم      چو شیر ریخته بر روی خاکیم  
چه افزایش به دریا از سرابی      چه ارزد ذره پیش آفتابی  
نگردد بی وجودش چرخ گردان      که بی قطب آسیا افتد ز دوران  
(همان: ۳۹-۵۹).

##### حشو ملیح

بگفتم کای - ز رویت چشم بد دور-      به تن مشکی به جان هم‌رنگ کافور  
(همان: ۱۰۹ر).  
کلینی آنکه - روحش باد پرنور-      روایت را بدینسان کرده مذکور  
(همان: ۵۵).

#### سطح فکری

فقیر دهلوی در زمره شاعرانی است که برای معنا و محتوا اهمیت خاصی قائل است و میکوشد لااقل لفظ و معنی را مقابل هم قرار دهد. با اینکه از صنایع لفظی و آرایه‌های ادبی به نحو مطلوب استفاده میکند، هیچگاه معنا را فدای لفظ نکرده است. در ادامه به برخی از مهمترین مضامین شعر او که سطح فکری او را در این مثنوی نشان میدهد، اشاره میشود.

**مدح و منقبت پیامبر اسلام و امامان شیعه:** شاعر بعد از حمد و سپاس باری تعالی و منقبت پیامبر اعظم و ذکر معراج وی، به منقبت ائمه اطهار و امامان شیعه میپردازد و هرکدام را به ترتیب ستایش میکند. او در وصف امام زمان (عج) میگوید:

دلَم از فیض آن خورشید تابان      بگیرد نکته بر لعل بدخشان  
به بیحد در سر من شور مستی      برآسیم ز رنج خودپرستی (۱۲۱پ)

**مفاخره و خودستایی:** خودستایی در شعر فارسی مسبوق به سابقه است و خودستاییهای خاقانی را اغلب به یاد داریم. فقیر دهلوی هم در خودستایی چیزی کم نگذاشته است:

چو سر زد از زبانم مدح مولی      به فخر امروز جز من کیست اولی اولی

به من نازد سخن امروز زان سان      که نازد بر سخن مرد سخندان

فصاحت را ز لفظم آب در جوی      بلاغت را ز نطقم رنگ بر روی

نمک دارد ز حرفم خوان معنی      عسل دارد ز لفظم شأن معنی (۱۹۱)

**عشق عارفانه:** خمیرمایه این اثر، عشق است؛ اما عشقی که صبغه جسمانی ندارد و عرفان بر آن مستولی است. الا ای عشق عالمسوز بی‌باک      دو عالم پیش تو یک مشت خاشاک (۸۳)

از نظر او عشق دردی بی‌درمان است که هرکس گرفتار آن شد رهایی نتواند و درمقابل عقل قرار دارد:  
دلی کز عاشقی رنجور گردد      ز مرهم زخم او ناسور گردد

چو زور آورد عشق بی‌محابا      فلاطون عاجز آید در مداوا

شود در عشق جالینوس حیران      که غیر از درد او را نیست درمان (۸۶)

در بینش عرفا، عقل و عشق پیوسته در تقابل و ستیز هستند و همیشه این عقل است که سپر میندازد و تسلیم میشود و لذا از نگاه عرفا، «پای استدلالیان چوبین بود». عرفان فقیر دهلوی نیز، که بیشتر متأثر از عرفان مولاناست، در تقابل عقل و عشق، عشق را برمیگزیند و عقل را کوتاه‌بین معرفی میکند و از پیروی آن برحذر میدارد:

به پای عقل کوتاه‌بین مرو راه      که شیطان کند در راه تو صد چاه

ترا گر عقل تو میداد تکمیل      عبث بودی رسول و وحی و تنزیل

دیرین ره عقل اگر کردی کفایت      نگشتی بر خدا لازم هدایت (۱۵)

دگرگون کرد اینجا عقل را حال      به زیر طایر اندیشه را بال

به استدلال نتوان گفت این راز به روی فلسفی این در نشد باز

عروج جسم را گوید محال است به نزدش این سخن خواب و خیال است (۱۵)

معشوق در نگاه فقیر دهلوی از جایگاه والایی برخوردار است و تمیز معشوق زمینی و آسمانی در آن دشوار است. اصولاً در شعر فارسی معشوق در نگاه عاشق چنان مقامی دارد که گاه با معبود پهلوی میزند. درواقع در این مثنوی، عشق زمینی پلی است به سوی عشق الهی.

شود عشاق را معشوق رهبر ندارند احتیاج خضر دیگر

نگارش گر کند یک جز به معشوق کشد از خاک عاشق سر به عیوق (۱۱۹)

اندیشهٔ جبرگرایی: جبر در لغت معانی گوناگونی دارد و در اصطلاح متکلمان در نسبت میان خداوند و بندگان تعریف شده و عبارت است از: «تثبیت قضا و قدر، اسناد فعل بنده به خداوند و افراط در تفویض امور به خدای تعالی بگونه‌ای که انسان همچون جماد تصور شود که از خود اراده و اختیاری ندارد» (تهانوی، ۱۹۹۶: ۱۹۹). فقیر دهلوی که بشدت تحت‌تأثیر عرفان مولاناست، همچون وی نه اختیار و نه جبر، بلکه به بین‌الامرین باور دارد: ستیزه با قضا مشت درفش است ز پا سر تافتن کی حد کفش است (۷۲)

بود با خلق عالم مر قضا را همان نسبت که با کفش است پا را

قضا را چاره‌جویی گر ز اسباب رخ کشتی همی‌سازی به گرداب

قضا را نیست جز تسلیم چاره شنا نتوان به بحر بی‌کناره

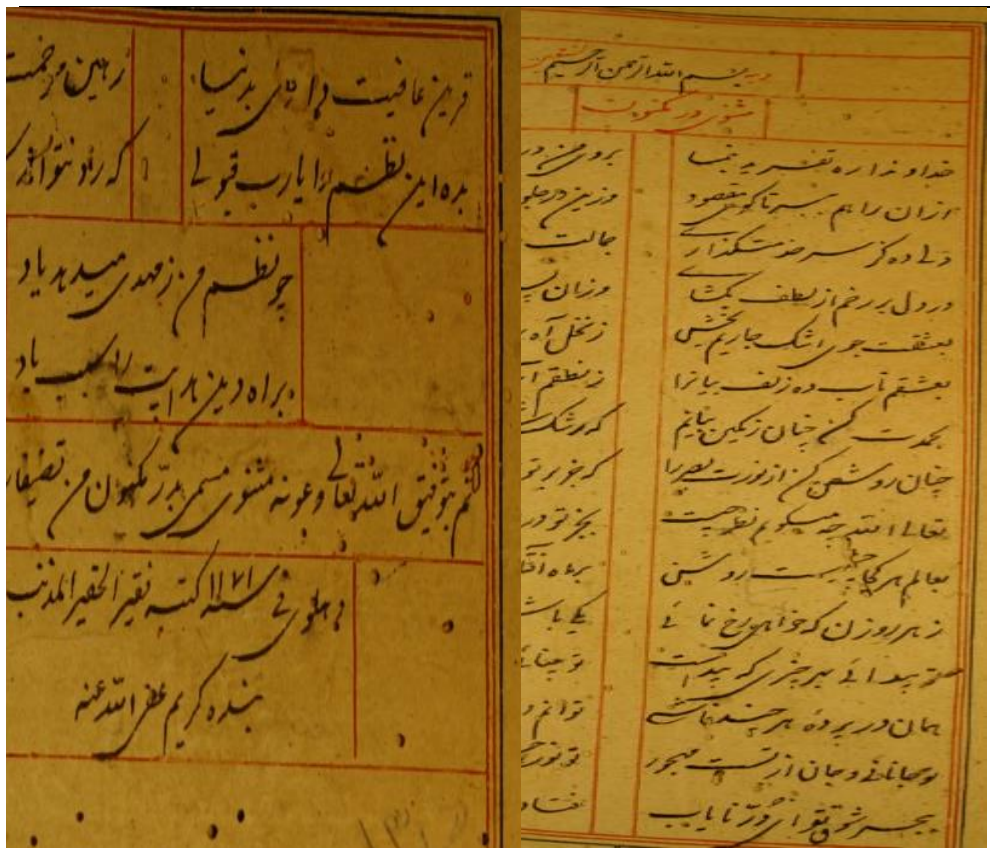
بود تدبیرها در دست تقدیر چو روباه زبون در پنجهٔ شیر

قضا آنجا که مرکب میجهاند خرد مانند خر در گل بماند (۷۳)

### نتیجه‌گیری

مثنوی در مکتون فقیر دهلوی، داستانی عاشقانه در عشق ملیکه، دختر قیصر روم، به امام حسن عسکری است که در حدود چهار هزار بیت سروده شده است. ظاهراً فقیر دهلوی این مثنوی را به تقلید از خسروشیرین نظامی در وزن مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن سروده است. این مثنوی از زبانی ساده و روان برخوردار است و شاعر از واژه‌های مهجور و کهن استفاده نکرده است. او از آرایه‌های ادبی و بخصوص تشبیه برای برجسته‌سازی ادبی در حد متعادل بهره برده و مضمون کلی داستان از تعقیدهای لفظی و معنوی دور است. اگرچه داستان جنبهٔ روایی دارد، در بیشتر مواقع جنبه‌های عاطفی و احساسی بر جریان داستان غلبه دارد و شاعر سعی کرده بجای روایت صرف داستان،

برای انگیزش احساسات و عواطف مخاطب از توصیف و تشریح بهره برد. شاعر برای غنا و تقویت موسیقی درونی، تقریباً از تمامی آرایه‌های ادبی بهره جسته است.



تصویر صفحه اول نسخه

تصویر صفحه آخر نسخه

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج استخراج شده است. آقای دکتر محمدحادی خالقزاده راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم مرضیه دوستانی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر جلیل نظری به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCES

- Arezoo, Serajuddin Ali Khan. (2006). *Majma' Al-Nafa'es*. Correction of Mehr Noor Mohammad Khan and Sarafraz Zafar. Islamabad: Iran-Pakistan Research Center.
- Asheghi Azimabadi, Husseinqoli Khan ibn Ali Khan. (2012). *Noshter -e- Eshgh*. Edited by Kamal Haj Seyed Javadi. Tehran: Miras maktub.
- Azar Bigdeli, Lotf'ali. (1999). *Atashkade*. Corrected by Mir Hashem. Tehran: Amirkabir.
- Bahar, Mohammad Taghi. (2008). *Stylistics or the history of the evolution of Persian prose*. Tehran: Zavvar.
- Ete, Herman. (1977). *History of Persian literature*. Translated by Rezazadeh Shafaq. Tehran: Translation and Book Company.
- Faqir Dehlavi, Shams al-Din. (Undated). *Masnavi in the Dorr maknoon*. Ayatollah Golpayegani Library.
- Faqir Dehlavi, Shams al-Din. (Undated). *Masnavi in the Dorr maknoon*. No. 611. Tehran Malek Library.
- Faqir Dehlavi, Shams al-Din. (Undated). *Masnavi in the Dorr maknoon*. No. 58/29. Ayatollah Golpayegani Public Library.
- Faqir Dehlavi, Shams al-Din. (unpublished). *Masnavi in the Dorr maknoon*. No. 28268. Mashhad: Astan Quds Razavi Library.
- Hamedani Moshafi, Gholam. (1934). *Eqd-e-Sorayya*. Corrected by Mohammad Kazem Kahdavi. Qom: Bakhshayesh.
- Masta'ali Parsa, Gholamreza and Mahmoudi, Mohammad. (2014). "Faqir Dehlavi, Introducing the manuscripts of his poetry collection and style". *Spring Literature Magazine*. 7(4). pp. 263-281.



- Rezaei Ardani, Fazlullah and Sadeghian, Mohammad Ali. (2007). "Critical study and analysis of the rhetoric of Shamsuddin Faqir Dehlavi". *Gohar Goya Magazine*, 11 (1). pp. 11-38.
- Rezaei Ardani, Fazlullah. (2010). "Faqir Dehlavi and the study and analysis of his poetic image. *Journal of Literature and Language*. new course. No. 27.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (1968). *Imaginary images in Persian poetry*. Tehran: Agah.
- Shamisa, Sirus. (1994). *Generalities of Stylistics*. The tenth edition. Tehran: Ferdows.
- Tahanwi, Muhammad ibn Ali. (1996). *Kashaf*. Tehran: University of Tehran.
- Vale Daghestani, Alighi Khan. (2005). *Riyaz ol-sho'ara*. Edited by Mohsen Naji Nasrabadi. Tehran: Asatir.

#### فهرست منابع فارسی

- آذر بیگدلی، لطفعلی (۱۳۷۸)، آتشکده، تصحیح میرهاشم، تهران: امیرکبیر.
- آرزو، سراج‌الدین علی‌خان (۱۳۸۵)، مجمع‌النفائس، تصحیح مهر نور محمدخان و سرافراز ظفر. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات ایران و پاکستان.
- اته، هرمان (۱۳۵۶)، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه رضازاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و کتاب.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۶)، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، تهران: زوار.
- تهانوی، محمدین علی (۱۹۹۶)، کشاف اصطلاحات الفنون، تهران: دانشگاه تهران.
- رضایی اردانی، فضل‌الله (۱۳۸۹)، فقیر دهلوی و بررسی و تحلیل سیمای شاعری او، نشریه ادب و زبان، دوره جدید، شماره ۲۷.
- رضایی اردانی، فضل‌الله و محمدعلی صادقیان (۱۳۸۶)، بررسی و تحلیل انتقادی حدائق‌البلاغه شمس‌الدین فقیر دهلوی، نشریه گوهر گویا، سال ۱۱. شماره ۱ (پیاپی ۳۲). صص ۳۸-۱۱.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۴۷)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۳)، کلیات سبک‌شناسی، چاپ دهم، تهران: فردوس.
- عاشقی عظیم‌آبادی، حسینقلی خان بن علی‌خان (۱۳۹۱)، تذکره نثر عشق، تصحیح کمال حاج سید جواد، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- فقیر دهلوی، بی‌تا، مثنوی در مکتون، کتابخانه عمومی آیت‌الله گلپایگانی.
- فقیر دهلوی، بی‌تا، مثنوی در مکتون، شماره ۲۹/۵۸. کتابخانه عمومی آیت‌الله گلپایگانی.
- فقیر دهلوی، بی‌تا، مثنوی در مکتون، شماره ۶۱۱. تهران: کتابخانه ملک.
- فقیر دهلوی، شمس‌الدین، بی‌تا، مثنوی در مکتون، شماره ۲۸۲۶۸، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.

فلاح، مرتضی (۱۳۸۹)، جایگاه فرهنگ و زبان فارسی در شبه‌قاره، مجله مطالعات شبه‌قاره، (۲) ۲، صص ۹۸-۶۷.  
مستعلی پارسا، غلامرضا و محمودی، محمد (۱۳۹۳)، فقیر دهلوی، معرفی نسخ خطی دیوان اشعار و طرز او، نشریه بهار ادب، (۴) ۷، صص ۲۶۳-۲۸۱.  
واله داغستانی، علی‌قی‌خان (۱۳۸۴)، ریاض‌الشعرا، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.  
همدانی مصحفی، غلام (۱۹۳۴)، عقد ثریا، تصحیح محمدکاظم کهدوی، قم: بخشایش.

#### معرفی نویسندگان

مرضیه دوستانی علی‌آباد: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

(Email: [doustani.phd.1398@gmail.com](mailto:doustani.phd.1398@gmail.com))

محمدهادی خالقی‌زاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

(Email: [m.h.khaleghizadeh@iauyasooj.ac.ir](mailto:m.h.khaleghizadeh@iauyasooj.ac.ir): نویسنده مسئول)

جلیل نظری: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

(Email: [Jnazari1334@yahoo.com](mailto:Jnazari1334@yahoo.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

**Marzieh Dostani Aliabad:** PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

(Email: [doustani.phd.1398@gmail.com](mailto:doustani.phd.1398@gmail.com))

**Mohammad Hadi Khaleghzadeh:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

(Email: [m.h.khaleghizadeh@iauyasooj.ac.ir](mailto:m.h.khaleghizadeh@iauyasooj.ac.ir): Responsible author)

Jalil Nazari: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

(Email: [Jnazari1334@yahoo.com](mailto:Jnazari1334@yahoo.com))